

روند
مبارزه با کرونا
امیدوارکننده
است

سرگردانی برای خرید داروی تامی فلو



اکباتانی‌ها از پشت پنجره‌ها
«ای ایران» خواندند

آواز همدلی در قرنطینه

#در-خانه-می-خوانیم

داستان جلد

نوروز ۱۳۹۹ به آرامی از راه می‌رسد و مردم دل‌خسته از پستی‌ها و بلندی‌های ۹۸ ساله‌ی نگران به استقبالش می‌روند. کل‌های بهاری در شهر به عابران پیاده چشمک می‌زنند تا با آنها سلفی بگیرند. اما کرونا چنان بر زندگی ایرانیان سایه انداخته که آدم‌ها دیگر نمی‌توانند تنگاتنگ هم بایستند. بیشتر آدم‌های توی عکس‌ها نشانه‌های همراه دارند: دستکش و ماسک و فاصله‌ای مطمئن از یکدیگر برای آن که بخشی از تاریخ اجتماعی ایران را ثابت کنند.

یادداشت

آب هنوز الفبای نجات در حاشیه‌های دور از دسترس است

در روزگار کرونایی برای مردمان کم‌برخوردار چه کنیم؟



زهرا مشتاق
روزنامه‌نگار

چند کیلومتری راه رفته‌اند، تا از هوتک آب بردارند؛ آبی برای نوشیدن، درست کردن غذا یا شستن ظرف‌ها و لباس‌ها. حالا تصور کنید ورود کرونا به جامعه روستایی در این نبود آب چه تبعاتی به دنبال خواهد داشت؛ خانواده‌هایی که نبود یا محدودیت منابع آبی سرو صورت پاکیزه را از زندگی آنها برده است و حالا ورود یک ویروس کشنده!

خانواده‌ای روستایی در مناطق فقیرنشین که سال تا سال رنگ و طعم میوه را نه می‌بینند و نه می‌چشند و غذایشان اغلب حیوانات ساده و پخته است و تقریباً همه اعضای خانواده دچار کم‌خونی یا سوءتغذیه هستند، با کدام بضاعت، امکان تهیه حتی شوینده‌های معمولی را خواهند داشت؟ حتی اگر هم بتوانند، چگونه می‌توانند خود را به این سرعت به شهرها برسانند و مایحتاج خود را تهیه کنند؟ با استفاده از کدام راه، کدام جاده، با کدام پول؟

جلوتر می‌آییم. به حاشیه‌نشین‌ها می‌رسیم؛ برای مثال چادران در بندر کنارک، میرآباد در چابهار، شورابازار در شهرستان مرزی پیشین، شیرآباد در زاهدان، زمین‌های قشمی دریم و محله‌های وسیع حاشیه‌نشین در کرمان چون الله‌آباد، شرف‌آباد، شهرک صنعتی، شهرک سیدی و محله تور و طناب.

آیا هرگز به این حاشیه‌نشین‌ها رفته‌اید؛ فقر هولناک آنها را از نزدیک دیده‌اید؛ آیا خانواده‌ای که تمام وعده‌های غذایی‌اش در یک وعده خلاصه می‌شود، حتی اگر درک درستی از این بیماری فراگیر و کشنده به او منتقل شود، توانی برای تهیه اقلام محافظتی خواهد داشت؟ چه کسی یا چه نهادی مسئولیت اطلاع‌رسانی و کمک به این خانواده‌ها را به عهده خواهند داشت؟

یادداشت

ایران یکی از عاشقانش را از دست داد



موسی غنی‌نود
اقتصاددان

درگذشت عم‌انگیز دکتر فریبرز رئیس دانا بی‌نهایت مرا متأسف کرده است. درست است که من و ایشان خط فکری و گرایش اقتصادی‌مان کاملاً از یکدیگر متفاوت بود، اما باید بگویم که فریبرز رئیس دانا انسانی به تمام معنا به شمار می‌آمد که با راهی متفاوت، به دنبال تحقق آرمان‌های والای انسانی‌اش بود. در حقیقت من تفاوت فکری بین خودم و ایشان را با این نگاه می‌دیدم. بیشترین ارتباط و رفت‌وآمد من و دکتر رئیس دانا مربوط به دهه ۷۰ است. ایشان از دوستان من بودند و باید بگویم با وجود اختلاف نظرهایی که داشتیم، او را انسانی بزرگ و فرهیخته می‌دانستم و به همین دلیل اختلاف نظر باعث نمی‌شد از احترام من به شخصیت ایشان کم شود. او شیفته کتاب و مطالعه بود و به همین دلیل رقیبی قدرتمند در مباحثه به شمار می‌آمد. با این حال، به نظر من مهم‌ترین وجه شخصیتی این اقتصاددان فرهیخته، آرمان‌های بزرگ و انسانی او بود؛ آرمان‌هایی که برآمده از تمام وجود و اعماق روح و قلبش بود و آن را می‌شود در چند کلمه خلاصه کرد: «عشق به انسان». در واقع بهتر است او را این‌گونه وصف کنم که رئیس دانا شیفته انسانیت و آرمان‌های والای انسانی بود. اگر بخواهم مصداقی تئوری برای توصیف ایشان پیدا کنم باید بگویم او یک اومانیت‌واقعی بود. کسی که به هموعانش عشق می‌ورزید و برای رسیدن به آرمان‌های بلند انسانی، حاضر بود هزینه بدهد؛ این یعنی رئیس دانا شعارزده و اهل تریبون نبود و اعتقادات او را می‌توانستید در رفتارش احساس کنید.

رئیس دانا قلبش برای ایران می‌تپید و آرزوی بزرگ او توسعه ایران و رفاه ایرانی‌ها بود. من رئیس دانا را از نظر شخصیت، بسیار کاریزماتیک می‌دانم. کسی که به راحتی می‌توانست دیگران را تحت تأثیر شخصیت برجسته خود قرار دهد و دوست بسیار وفادار و بااخلاقی بود.

خبر درگذشت دوست عزیزم بر اثر بیماری کرونا مرا بی‌نهایت غمگین کرده است و باید بگویم که ایران یکی از عاشقان خود را از دست داد. □

فریبرز رئیس دانا درگذشت



گفت‌وگو با لوریس چکناواریان

شاید ویروس کرونا عشق را به جهانیان بیاموزد

بیانیه نماینده مقام معظم رهبری
در جمعیت هلال احمر به مناسبت سال نو

همدلی و همکاری برای اصلاح امور و جبران مافات

سازندگان

کلیپ بارش بادمجان بازداشت شدند

مردم: واردکنندگان کرونا هم بازداشت بشن لطفا!